

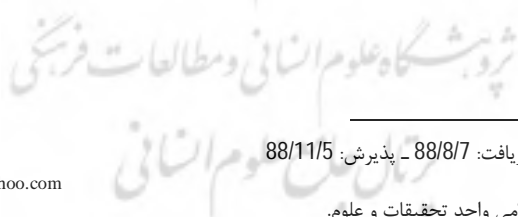
اکنکار در سراب دین¹

عبدالحسین مشکانی* / محمدتقی فعالی**

چکیده

شبه آیین اکنکار که از عرفان‌های نوپدید و نوظهور آمریکایی است، باورهای بسیاری از ادیان و عرفان‌ها را گرد آورده است تا معجونی از همه ادیان باشد. معجون بودن این فرقه موجب شده است تا بنیان‌گذار آن و نیز جانشینان وی ادعاهایی که این فرقه را به دین بودن نزدیک می‌کند، مطرح سازند. این نوشته بر آن است تا با بیان اوصاف، شگردها و روش‌هایی که این شبه آیین را به تعریف دین نزدیک می‌کند، تناقض دین نبودن ظاهری، و دین بودن آشکار آن را روشن کند. در این مقاله، با تطبیق باورهای اکنکار با مؤلفه‌های مهمی که در تعریف‌های دین شمرده شده است، نشانه‌هایی از ادعای دین بودن اکنکار ارائه می‌شود. سپس با بررسی اهداف معهود سردمداران این شبه آیین و ویژگی‌هایی که برای آن بر می‌شمارند، از باور پنهانی دین بودن اکنکار پرده برداشته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عرفان نوپدید، اکنکار، سوگماد، شبه آیین، آیین، دین.



مقدمه

بروز عرفان‌های نوپدید در غیاب آشنایی بشریت نسبت به دین کارآمد و تأثیرگذار، رو به گسترش است. این پدیده که مهم‌ترین عامل به وجود آمدنش، معنویت‌گریزی غرب پس از مدرنیسم و پست‌مدرنیسم است، می‌کوشد تا بتواند جای دین را در زندگی فردی و اجتماعی بشر پر کند. برخی از این عرفان‌های نوپدید داعیه سیستم ورزشی و یا سیستم روان‌بخشی دارند؛ اما بسیاری از آنها به صورت آشکارا یا پنهان، خود را به مثابه دین می‌انگارند.

اکنکار² یکی از این عرفان‌های نوپدید است که در سال 1965 توسط شخصی به نام پال توئیچل³ ایجاد شد. با بررسی تعالیم این فرقه می‌توان آن را معجونی از تمامی ادیان و عرفان‌ها برشمرد. توئیچل مدتی در ارتش آمریکا و مدتی نیز در هندوستان و در آشرام سوار سینگ⁴ بوده است. وی تعالیم خود را منتسب به شخصیتی خیالی به نام ربازار تارز تبتی لامائیست⁵ می‌داند و با مطالعات خود این توانایی را می‌یابد که به ابداع آیینی نوظهور دست یازد.⁶ البته همسر دوم او، گیل توئیچل⁷ که یک روان‌شناس بود، کمک‌های شایانی به او کرده است. وی اولین ادعاهای پیامبری اکنکار - که از آن با عنوان ماهانتا⁸ یاد می‌شود - را با تشویق‌ها و درخواست‌های گیل مطرح کرده است. پال توئیچل خود در این باره می‌گوید:

تبدیل از وضعیت صخره‌نشینی به اک بعد از ملاقات با همسر فعلی‌ام گیل شروع شد. او اصرار داشت که من با دانش و قابلیت‌هایم کاری انجام دهم... یک روز من و گیل در چاینا تاوان سانفرانسیسکو گردش می‌کردیم و بر حسب اتفاق وارد یک معبد چینی شدیم. در آنجا یک کاهن به من گفت که به زودی عازم سان دیه گو شده و کارم را در اک آغاز خواهیم کرد.⁹

نامه‌ها ارسالی بین گیل و پال، نزدیک دو سال به طول انجامیده است. برخی از این نامه‌های عاشقانه در دو جلد کتاب چاپ شده است.¹⁰ برخی از آنها نیز نشان از تأثیر شگرف گیل در روحیات پال دارد.

نامی که پال برای شبه‌آیین خود انتخاب کرد، نامی بود که بسیاری از صوفیان و راهبان برای خود بر می‌گزینند. او با استفاده از زبان سانسکریت، نام اکنکار را بر شبه‌آیین خود نهاد. اک¹¹ در زبان سانسکریت به معنای حق و خدا می‌باشد. اکنکار نیز در معنای ای چون اهل حق، پیروان خدا و رهروان حقیقت به کار می‌رود.¹² برخی از پیروان این شبه‌آیین در ایران خود را با نام «اهل حق» معرفی می‌کنند تا از آماج غربی بودن و آمریکایی بودن رهایی یابند. آنها در بیان واژه‌های فنی این شبه‌آیین نیز نوعی توریه و تقیه را در پیش می‌گیرند؛ اما از شیوه‌ها و سخنان آنان به روشنی می‌توان فهمید که آنان از پیروان اکنکار هستند. این فرقه هم اکنون در برخی از شهرهای بزرگ ایران فعال بوده و توانسته است پیروانی را برای خود جمع کند. به جهت

ممنوعیت تبلیغ علنی این فرقه نمی‌توان جمعیت دقیق آنها را تخمین زد. در سال‌های بین 1376 تا 1384 بیشتر کتاب‌های بنیانگذار این شبه‌آیین و نیز رهبر کنونی آن، به فارسی ترجمه شد و در تیراژهای مناسب و چاپ‌های چندگانه نشر یافت. می‌توان بیش از چهل عنوان کتاب این فرقه را که به فارسی ترجمه شده است، رصد کرد. نباید فراموش کرد که این افزون بر کتاب و مقالاتی است که به صورت اینترنتی نشر یافته است.

در حال حاضر، بیشتر فعالیت‌های این فرقه در قالب تبلیغات اینترنتی و تشکیل تیم‌های خانگی صورت می‌پذیرد و پیروان آن در پوشش‌هایی چون روش‌های آرامش‌یابی و یا حتی مدیتیشن به ارائه شبه‌آیین‌شان همت گمارده‌اند. اینان برای نفوذ بیشتر در بین ایرانیان، از شخصیت‌های معنوی و تاریخی کشور فروگذار نکرده و از آنها با نام ماهانتاها یا رهبران سابق اکنکار یاد می‌کنند. تئویچل و پیروانش مدعی‌اند که مولانا، شمس، حافظ و فردوسی از رهبران پیشین این شبه‌آیین بوده‌اند. تئویچل، بارها نام این بزرگان را در کتاب‌های خود آورده و مدعی است اولین کتاب جهان‌بینی اکنکار را مولانا نگاشته است. منظور وی همان *مثنوی معنوی* مولوی است که به‌رغم برخی اشکالات، انباشته از اعتقادات و باورهای ناب اسلامی است. البته باید تذکر داد که این یکی از شگردهای تبلیغی این عرفان تلفیقی است. آنها شخصیت‌های تمامی ملل و نحل را به نام خود مصادره می‌کنند تا بتوانند در تمام دنیا راهی فراروی خود بگشایند.

باورهای اساسی این شبه‌آیین را می‌توان در باور به خداوندان دوازده‌گانه عالم، اعتقاد به کارما، تناسخ، سفر روح، ماهانتا به منزله پیامبر و عوالم درون برشمرد. توضیح کوتاهی درباره این باورها ضروری است:

اکنکار عالم را به دوازده طبقه تقسیم کرده و برای هر کدام از طبقات، خداوندی را در نظر می‌گیرد. در طبقه دوازدهم که آخرین طبقه است، سوگماد¹³ یا خدای خدایان قرار دارد. سوگماد در این آیین مانند دیگر خدایان خطاپذیر بوده و می‌تواند گناه کند. او به خواب می‌رود و هنگامی که از خواب برمی‌خیزد، دنیایش را ویران می‌بیند و آنگاه تصمیم به عذاب مخلوقات می‌گیرد. او دوباره به خواب می‌رود و آنگاه که از خواب برون می‌شود، هوس خلقتی دیگر کرده و بار دیگر... و این خواب و بیداری و نگرانی و غفلت و یادآوری سوگماد است که ادوار اکنکار و دوره‌های بشری را رقم می‌زند.¹⁴

کارما¹⁵ که از آن با عنوان نتیجه اعمال یاد می‌شود، از اعتقاد نداشتن این شبه‌آیین به معاد نشأت گرفته است. در این باور، همه اعمال انسان در همین دنیا پاسخ داده می‌شود و عالمی به نام معاد وجود ندارد. در واقع، اعتقاد به کارما پس از بن‌بست عقیدتی که برای اکنکار در زمینه افعال انسانی وجود داشته و معادی نیز برای ترسیم عقلانی آن در باورهایشان جا نداشته، به وجود آمده است.

تناسخ در باور اکنکار نیز از باورهایی است که از عرفان‌های شرقی، به ویژه بودیسم و لامائیسم به عاریت برده است. در این باور، روح انسان بعد از جدایی از جسم، اول به جسم‌های دیگر راه یافته و به حیات زمینی خود ادامه می‌دهد. بطلان تناسخ از اموری است که در علوم عقلی به اثبات رسیده است. افزون بر این، دلایلی که اکنکار برای این عقیده ارائه می‌دهد نیز مردود است.¹⁶

سفر روح، از مهم‌ترین اهداف این فرقه شمرده می‌شود. آنها برای ایجاد آرامش درونی به سفر روح معتقدند. تمامی روش‌هایی که در این شبه‌عرفان وجود دارد، برای رسیدن به این هدف طراحی شده‌اند. ناگفته نماند تمامی روش‌هایی که ارائه شده است، نوعی تصور خیال‌انگیز بیش نیست.¹⁷ پال توئیچل به صراحت اعلام می‌دارد که این فرقه نه یک سیستم مذهبی و نه یک نظام فلسفی است؛ بلکه روشی برای کسب آرامش و سعادت است.¹⁸ اما در عمل اکنکار به صورت تلویحی و غیرآشکار مدعی دین بودن است.

یکم: تعریف دین و نشانه‌های واهی دین بودن اکنکار

أ. تعریف اسلامی دین

در تعریفی از دین که به مؤلفه‌های اساسی دین اشاره دارد، می‌خوانیم: «دین یک معرفت و نهضت همه‌جانبه به سوی تکامل است که چهار بُعد دارد: اصلاح فکر و عقیده، پرورش اصول عالی اخلاق انسانی، حُسن روابط افراد اجتماع و حذف هرگونه تبعیض‌های ناروا».¹⁹

در این تعریف، چهار ویژگی برای دین شمرده شده است:

1. اصلاح فکر و عقیده؛ 2. پرورش اصول عالی اخلاق انسانی؛ 3. تنظیم حسن روابط اجتماع؛ 4. حذف هرگونه تبعیض ناروا.

در این تعریف، هر کدام از مؤلفه‌ها، توسط مکانیسم خاصی از دین - تکی یا ترکیبی - محقق می‌شود. اصلاح فکر و عقیده توسط باورها و اعتقادات انجام می‌پذیرد. همین باورها و نیز روش‌ها و مناسک در قالب رفتارهای فردی و اجتماعی به پرورش اصول عالی اخلاق انسانی منجر می‌شوند. اعمال و باورها و شعائر موجب به‌وجود آمدن روابط حسنه اجتماعی می‌شوند و همچنین با همین مکانیسم‌ها می‌توان تبعیض‌های ناروا را برچید.

بررسی اجمالی نشان می‌دهد، اکنکار سعی کرده است تا به گونه‌هایی ظریف - گاه نهان و گاه آشکار - در هر یک از این زمینه‌ها ابراز وجود بنماید.

اصلاح فکر و عقیده

اکنکار با چندین روش به اصلاح فکر و عقیده پیروان خود می‌پردازد. برای نمونه، در این مقاله

به دو مورد از آن می‌پردازیم؛ اول تلاش اکنکار در جهت تخریب باورهای گذشته پیروان و یا گروندگان به آن است؛ دوم آموزش‌هایی که در جهت اصلاح باور پیروان صورت می‌گیرد.

تخریب ادیان و مقابله با مذاهب

آنها با دور کردن اذهان مردم از ادیان و مذاهب دیگر، به اصلاح عقیده می‌پردازند. بررسی نگرش اکنکار به ادیان دیگر و تبلیغ این ایده‌ها در میان اکیست‌ها²⁰ نشان می‌دهد که چگونه او در صدد اصلاح‌گری برآمده است. اکنکار ادیان اصولی و مهم را با ویژگی‌های زیر برای پیروانش معرفی می‌کند تا بتواند به سهولت اذهان و روح پیروان ادیان دیگر را به سمت خود کشانده و آنها را - به اصطلاح خود - اصلاح کند:

اصولی بودن ادیان

اکنکار این ادیان و مذاهب را با نام «ادیان اصولی» معرفی می‌کند. در عرف غرب، واژه «اصولی» و «اصولگرا بودن» به افکار و اندیشه‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها دگم‌اندیشی و دوری از تفکر روز، موج می‌زند. جزم‌اندیشی، تحجرگرایی و بی‌احترامی به افکار دیگران، از دیگر ویژگی‌های افکار و ادیان اصولی شمرده می‌شود. نیکو سخن اینکه اصولی و اصول‌گرا بودن لقب ناروایی است که به عنوان فحاشی و بی‌احترامی به برخی از افکار و اندیشه‌ها نسبت داده می‌شود. کتاب مقدس ادعایی اکنکار، ضمن اینکه دیگر ادیان را اصولی می‌خواند، تعریفی نیز از اصولی بودن ارائه می‌دهد:

مشکلی که در میان مذاهب اصولی وجود دارد، فقدان درک متقابل است که به نوبه خود موجب انهدام ارتباطات آنان با اک می‌شود. موضوع این نیست که مریدان ادیان اصولی فرصت این ارتباط را ندارند، بلکه بیشتر آنان حاضر به گذشت کردن در برابر اک نیستند. بیشتر پیروان ادیان اصولی فقط به مذهب سنتی خود معتقدند. هر یک نیز این چنین می‌پندارند که اعتقاد راسخ به اصول مذهبی‌شان، پاسخ تمامی سؤالات‌شان را در مورد زندگی و مشکلات مربوطه در اختیارشان می‌گذارد.²¹

با نگاهی اجمالی به پاسخ‌هایی که اکنکار به اکیست‌ها می‌دهد، می‌توان اکنکار را روشن‌ترین نمونه از ادیانی دانست که در پاسخ‌گویی فرومانده‌اند و به‌رغم آن، تنها پاسخ‌های خود را صحیح می‌پندارند.²²

ذهنی بودن

از دیگر نقدهایی که اکنکار به ادیان آسمانی و غیرآسمانی دارد، «ذهنی بودن» معارف این ادیان است: تمامی عادات اجتماعی، مذاهب، سیاست‌ها و اصول دینی بر اساس عادات ذهنی‌ای هستند که در شیارهایی قرار داده شده و از نسلی به نسلی دیگر انتقال داده شده‌اند. این عادات ذهنی خشک و غیر قابل تغییر هستند و اغلب باعث ایجاد جنگ‌هایی می‌شوند که در طی آن، میلیون‌ها نفر به قتل می‌رسند. عادات ذهنی معمولاً ارباب نوع بشر می‌شوند. می‌توانیم بگوییم که تمام نژاد بشر برده عادات ذهنی است.²³

همان‌گونه که اشاره شد، سترگ‌ترین هدف اکنکار و نیز بزرگ‌ترین وسیله آن، سفر روح است. اکیست‌ها تمام تلاش خود را می‌کنند تا گامی در سفر روح بنهند. در حالی که تمامی روش‌های اکنکار برای رسیدن به این هدف، ذهنی و خیالی است. اکنکار را می‌توان یکی از نمونه‌هایی دانست که علاقه زیادی به ذهن‌شویی دارد. به همین دلیل، آموزش‌های اولیه اکیست‌ها توسط جزوه‌هایی انجام می‌گیرد که محرمانه است و شاگردان اکنکار از مطالعات جنبی و باورهای دیگر منع می‌شوند.²⁴

عقب‌ماندگی

نکته دیگری که درباره ادیان بیان می‌شود، آن است که کلیساها، مذاهب صوری و رسمی، فرقه‌ها و همه گروه‌هایی که خود را از مکتب‌های اسرار معرفی می‌کنند، به دوره‌های قبل از بلوغ فکری بشر و تکاملش تعلق دارند. اکنکار این ادیان را متعلق به دوران طفولیت نژاد بشر روی زمین می‌داند.²⁵

البته اکنکار خود را قدیمی‌تر از همه ادیان، و بسیاری از اصول و باورهایش را نیز برگرفته از علوم باستانی می‌داند. از این رو، خود را روش باستانی سفر روح تعریف کرده است. از این مطلب به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که اگر آموزه‌های ادیانی که به باور ایشان پس از اکنکار به وجود آمده‌اند متعلق به دوران طفولیت بشر است، پس باید اکنکار به دوران نطفه بودن بشر تعلق داشته باشد!

زمینی بودن

در نظر پال توئیچل، ادیان و مذاهب یا زمینی هستند و یا کارکردی زمینی دارند. وی اعتراف می‌کند که سخن ادیان، آرام‌بخشی بعد از مرگ است؛ اما معتقد است آنها از آموزش‌هایی بهره می‌برند که مخصوص جهان‌های پایین است: «دین، سخن از آرامش بعد از مرگ آدمی می‌گوید؛ اما این فقط آموزش‌های جهان پایین است. این سخن حقیقت ندارد؛ اما تنها یک وعده برای خشنود نگاه داشتن آدمی است».²⁶

وی در نهایت، تبدیل شدن ادیان به نظامی اجتماعی - اقتصادی را ناگزیر می‌داند. در نظر او، ادیان ناچارند کنترل اذهان و اجسام آدمیان را به دست گیرند. همچنین وی معتقد است خاستگاه بیشتر ادیان، مبانی اقتصادی دوران آنهاست. به نظر اکنکار، نظام‌های اجتماعی که تا به حال در جوامع بشری استقرار یافته‌اند، مذهبی را برای پیروان خود فراهم کرده‌اند.²⁷

بدیهی است یکی از مهم‌ترین نشانه‌هایی که یک آیین برای آسمانی بودن خود ارائه می‌دهد، کتاب آسمانی آن دین خواهد بود. اکنکار هرگز نتوانست منکر آسمانی بودن برخی از کتاب‌های آسمانی شود. پال نیز خود اعتراف کرده است که پیامبر اسلام ﷺ توانسته است به

بالاترین رده‌های آسمانی سفر کند و این از کتاب او پیداست.²⁸ اما کتاب آسمانی اکنکار، آکنده از تناقض‌ها و نقل‌قول‌هایی است که هیچ نشانه‌ای از آسمانی بودن ندارد.

ناکارایی معنوی

فرقه اکنکار مدعی است بدون اکنکار هیچ یک از راه‌ها برای رسیدن به خدا کافی نیستند. انسان برای رسیدن به خدا اگر به دیگر ادیان معتقد است، باید یا خود را از آنها بپیراید و یا اینکه در کنار آن به اکنکار نیز بپردازد تا بتواند واصل خدا شود. غیر از این افراد، تمام افرادی که ادعا دارند خدا را تجربه کرده‌اند، غیرواصلانی بیش نیستند:

وصل‌نیافتگان کسانی هستند که رهایی را به واسطه وصل از طریق ماهانتا دریافت نکرده‌اند. غسل تعمید و آیین‌های مشابه، شرط کافی برای رستگاری نیستند. پیوستن به هیچ یک از ادیان، فرقه‌های اسرار و آیینی هم تضمین‌کننده آزادی معنوی نیست. فقط استاد حق در قید حیات از این توانایی برخوردار است که روح‌ها را وصل دهد و به نواحی نور برساند.²⁹

همان‌گونه که اشاره شد، اکنکار با روش‌های کاملاً خیالی و ذهنی، ناکارآمدی خود را ثابت کرده است. اما ادیان آسمانی، به ویژه اسلام که قدمتی 1400 ساله دارد و معنویت‌گرایی آن از شاخص‌ترین معنویت‌گرایی‌های عقلانی و عرفانی است، با این تعابیر اکنکار روبه‌رو می‌شوند.

مادی‌گرایی ادیان

در نظر اکنکار، همه ادیان دارای آغاز و پایان هستند. ادعا بر این است که با بررسی تاریخ نژاد بشر درمی‌یابیم که ادیان بسیاری در طبقه فیزیکی وجود داشته‌اند که تنها معدودی از آنها بیش از هزار سال دوام آورده‌اند. کتاب مقدس ادعایی با بیان مطلب مزبور چنین نتیجه می‌گیرد:

بنابراین، همه ادیان دنیا طبیعتی مادی‌گرا دارند و قدرت و خدایی که نیایش می‌کنند، ناشایسته است. دینی که عوامل اصلی آموزش‌های اک، یعنی استاد حق در قید حیات، جریانی صوتی و نور را به منزله زیربنای خود حفظ نکند، از بقای چندانی برخوردار نیست. ادیانی که این عناصر را در آموزش‌های خود داشته باشند، بسیار اندکند.³⁰

در بررسی بین خداوند ادیانی چون اسلام که دارای صفات ثبوتیه و سلبیه فراوانی است و خداوندانی که اکنکار معرفی می‌کند، باید دید صفت مادی‌گرایی و بی‌خدایی سزاوار کدامیک است. اینها نمونه‌هایی است از نوع معرفی ادیان برای اکیست‌ها، که از سوی رهبران این فرقه صورت می‌پذیرد. تغییر ذهنیت کسانی که به این فرقه متمایل شده‌اند، در جهت اصلاحگری ذهنی آنان صورت می‌گیرد. این اصلاحگری به تناقض‌های آشکاری می‌انجامد؛ اما اکنکار بهای تناقض‌گویی را در تمامی باورهای خود پذیرفته است تا بتواند به مهم‌ترین هدف خود که

یارگیری است، دست یابد. این نوع برخورد با ادیان، از دو جنبه نشان‌دهنده ادعای دین بودن اکنکار است: الف: نوعی از اصلاحگری ذهنی است که از مؤلفه‌های ادیان شمرده شده است؛ ب: اکنکار از درون نقد و نفی ادیان، خود را کامل‌ترین معرفی می‌کند و خواننده را به صورت ناخود آگاه به این نتیجه می‌رساند که اکنکار از عیوب پیش‌گفته میراست. با مطالعه دقیق اکنکار، می‌توان تمامی این عیوب را برای آن ثابت کرد. البته اثبات ادیانی که هیچ‌کدام از این عیب‌ها را نمی‌توان برای آنها ثابت کرد، نقض دیگری است که سخنان اکنکار با آن مواجه است.

آموزش‌هایی در جهت ذهن‌شویی

آموزش‌های پیچیده که با روش‌های بسیار متفاوت، صورت می‌گیرد از دیگر ترفندهای اصلاحگری باورهای این شبه‌آیین می‌باشد. در اینجا به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم:

دیسکورس³¹

دیسکورس جزوه‌ای است که در آن استاد حق در قید حیات، آموزش‌های اولیه و لازم را به اکیست‌ها ارائه می‌دهد. در واقع، دیسکورس اولین ارتباط بین چلا³² و ماهانتا به‌شمار می‌آید. در این آموزش‌نامه‌ها، افزون بر آموزش مفاهیم و عقاید اکنکار، به پرسش‌های چلا پاسخ داده می‌شود. دیسکورس آموزش‌نامه‌ای محرمانه است که بین استاد و چلا وجود دارد.

متقاضی عضویت اکنکار قبل از اینکه به‌منزله چلا یا اکیست در این گروه پذیرفته شود، باید به مدت دو سال در اکنکار مطالعه کند. سیر مطالعات افراد با مطالعه دیسکورس‌های خصوصی آغاز می‌شود. این دیسکورس‌ها حاوی مطالبی پیرامون سفر روح و راه پنهان خداست. این سیر دوساله، برای وصل اول او کفایت می‌کند؛ اما برای دریافت وصل‌های بعدی، باید مطالعات فراوان دیگری را همراه با روش‌ها، تمرین‌ها و آموزش‌های دیگر داشته باشد.³³

ست سنگ³⁴

استاد اک یا ماهانتا یک سری آموزش‌های مستقیم به برخی از چلاهای برگزیده خود ارائه می‌دهد. در این کلاس‌ها، شاگردانی شرکت می‌کنند که ارادت خود را به اک و ماهانتا ثابت کرده باشند. این کلاس‌ها یا محافلی را که به طور رسمی بین ماهانتا و مریدان او برگزار می‌گردد، کلاس‌های «ست سنگ» می‌گویند. یکی از معانی ست سنگ را «وحدت با استاد اک در قید حیات» می‌دانند. البته این وحدت و یگانگی با استاد، در ضمن گردهمایی خاصی شکل می‌گیرد. وحدت با استاد در کنار سرسپردگی به اک، «تثلیث» مشهور اک را می‌سازد. می‌توان این نوع از کلاس‌های ست سنگ را با حلقه‌های «مرید و مرادبازی» و

«سرسپردگی» مقایسه کرد که در برخی از فرقه‌های انحرافی وجود دارد. شریعت – کتاب مقدس ادعایی اک – درباره اهمیت ست سنگ سخنان فراوانی دارد؛ گاه از آن با عنوان «قدرت حیات بخش اک»³⁵ یاد می‌کند و گاه آن را «کلید واقعی گشودن راز آثار اکنکار»³⁶ برمی‌شمارد. اکنکار به منظور ترغیب اکیست‌های برگزیده برای پیوستن به حلقه‌های «مرید بازی ست سنگ» سازوکار جالبی دارد؛ سخن گفتن درباره اهمیت این حلقه‌ها، یکی از این شگردهاست: «ست سنگ اک برای چلا از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چون جزئی از حضور او در کار اکنکار است».³⁷ همچنین منوط کردن حضور در اکنکار به شرکت در این حلقه‌ها ترفند دیگر آن است: «[حضور در ست سنگ] جزیی از حضور او در کار اکنکار است»³⁸.

مزایایی نیز برای حضور در این حلقه‌ها برشمرده‌اند؛ مانند: شکوفا شدن بالقوه‌های حقیقی چلا با حضور در ست سنگ، دریافت برکات واقعی، نزول فیض سوگماد، جوانه زدن معنویت درون قلب چلا، تصفیه شدن درون چلا و تبدیل شدن به ابزار سوگماد که نهایت آمال اکنکار است.³⁹ البته درآمدهایی که از تشکیل این کلاس‌ها عاید مؤسسه اکنکار می‌شود، از مزایای غیرقابل چشم‌پوشی این کلاس‌هاست.

حکمت زبان زرین

حکمت زبان زرین، جالب‌ترین نوع از آموزش‌های درونی اکنکار به شمار می‌رود. در این آموزش، ادعا می‌شود بسیاری از وقایعی که در اطراف ما به وقوع می‌پیوندد، همه توسط استاد درون انجام گرفته است. استاد با تصرف در وقایع، پیام خاصی را به چلا منتقل کرده است تا او به واقعیت یا پاسخی دست یابد. بسیاری از مواردی که در این قسم نقل شده است، نشان می‌دهد اکنکار برای نفوذ در زندگی اکیست‌ها از تمامی ظرفیت‌های ممکن سود جسته است. یک اکیست با توجه به باورها و اعتقاداتی که پیدا می‌کند، حتی در کوچک‌ترین اتفاقات زندگی خود اک را دخیل می‌بیند. این نوع نگرش و باورداشت، سرسپردگی چلا به اک را فزونی می‌بخشد.

حکمت زبان زرین، پدیده‌ای است که ردیابی رهنمودهای معنوی در حوادث دنیوی و روزمره را آموزش می‌دهد. برای مثال، فرض کنید از فروشگاه‌ای خرید می‌کنید و متصدی فروشگاه ناگهان به شما خیره می‌شود. این عمل فروشنده برای شما حاوی پیام خاصی است. این اک است که از طریق فروشنده – که ناخواسته مجرا قرار گرفته – با شما حرف می‌زند. نمونه دیگر اینکه، رادیو را روشن کرده، به ترانه‌ای عامیانه گوش می‌دهید که از لابه‌لای کلمات ترانه، پیامی به شما الهام می‌شود؛ پیامی که راه حل مشکل شماست. با قلبی گشاده قادر به شنیدن صدای روح الهی خواهید بود که از طریق حکمت زبان زرین با شما سخن می‌گوید.⁴⁰

رؤیای بیداری

از دیگر شیوه‌های آموزشی که اکنکار مدعی است برای آموزش اکیست‌ها عمل می‌کند، رؤیای بیداری است. شباهت فراوانی بین رؤیای بیداری و حکمت زبان زرین وجود دارد؛ اما تفاوت‌هایی نیز برای آن برشمرده‌اند:

کمی تغییر در اصل حکمت زبان زرین، رؤیای بیداری را می‌سازد. فرض کنید که عکس پروانه‌ای را به شما نشان می‌دهند، اما در ذهن شما پروانه شبیه زنبور عسل (Bee) است (که با حرف B شروع می‌شود). چند ساعت بعد می‌شنوید که همسرتان مرتباً در حرف‌هایش حرف ب را تکرار می‌کند. بالاخره هفته بعد دوستی تماس می‌گیرد و می‌گوید که بهتر است برای رفع فلان مسئله، ویتامین «ب» مصرف کنید. در اینجا رابطه بین این سه حادثه مشخص می‌گردد. شما شروع به مصرف ویتامین «ب» می‌کنید و مشکلی که برای حل آن درخواست کمک کرده بودید، برطرف می‌گردد. روح یا خویش برتر، حوادث نمادین را به یکدیگر ارتباط می‌دهد تا پیغام خاصی راه خود را به سوی ذهن بازنماید. این مثالی از رؤیای بیداری بود.⁴¹

کشف این نوع ارتباط در پدیده‌ها، کار بسیار پیچیده و مشکلی است. به جرئت می‌توان کارساز بودن این نوع آموزش را با پرسش مواجه ساخت؛ اول اینکه کشف چنین ارتباطی، آموزش‌های تقویت حافظه و یادداشت‌برداری را می‌طلبد که اکنکار در رؤیاپردازی بدان می‌پردازد؛ دوم اینکه از یک واقعه و پدیده، شاید به تعداد افراد بشر بتوان پیوندها و ربط‌های متفاوتی ارائه داد. با این تشبث و چند ده گانگی چگونه می‌توان دیگران را آموزش داد؟

آموزش در رؤیا

آموزش در رؤیا نوعی دیگر از آموزش‌های درونی است. فرد رؤیابین، در رؤیا آموزش‌های لازم را از استاد درونی دریافت می‌کند. این استاد می‌تواند استاد در قید حیات یا هر کدام از استادان گذشته اکنکار باشد. این طریق از آموزش که یکی از مهم‌ترین روش‌های سفر روح نیز تلقی می‌شود، بر آن است تا مشکلات و خواسته‌های چلاها را در رؤیا و عالم خواب پاسخ گوید. به نظر می‌رسد این مکانیزم آموزشی به نحوی تلقینی عمل می‌کند؛ اما اکنکار ادعا می‌کند که اینها روش‌هایی عینی و عملی هستند.

پرورش اصول عالی اخلاق انسانی

دومین مؤلفه‌ای که برای ادیان شمرده شد، پرورش اصول عالی اخلاق انسانی است. این شبه‌آیین نیز در صدد است با ارائه نفسانیات پنج‌گانه و دیگر اصول اخلاقی، خود را آراسته به این مؤلفه نشان دهد.

به عقیده اکیست‌ها، «کل نیرانجان»⁴² برای اعمال شیطانی خود از نفسانیات پنج‌گانه انسانی سود جسته و بشر را از رسیدن به مقام تعالی باز می‌دارد.⁴³ او مسئول تمامی آرزوهای پلید است و موجب می‌شود مرگ در دل انسان‌ها رخنه کند. کل نیرانجان انسان‌ها را در اندوه، پریشانی، نکبت و تهی‌دستی غوطه‌ور می‌کند؛ اوست که انسان‌ها را به خودکشی و خودانهدامی و بدبختی و بی‌علاقه‌گی و نارضایتی و تفرقه می‌کشاند. خشم، حرص، وابستگی و خودستایی، گرایش به الکل و افیون و مواد مخدر، زودرنجی، عیب‌جویی و ... همه از آثار کل نیرانجان هستند.⁴⁴

این نوع ادعاها و نیز توصیه‌های اخلاقی در اکنکار فراوان است. نفسانیات پنج‌گانه در این شبه‌آیین عبارت‌اند از: کما⁴⁵ به معنای شهوت، کردها⁴⁶ به معنای خشم، لوبها⁴⁷ به معنای طمع، موها⁴⁸ به معنای وابستگی و آهنکارا⁴⁹ به معنای خودپرستی.

حُسن روابط افراد اجتماع

سومین نشانه دین در تعریف پیش‌گفته، تنظیم حُسن روابط افراد اجتماع است. سخن گفتن درباره فضایل اجتماعی⁵⁰ که در بسیاری از متون این شبه‌آیین وجود دارد و مشاوره‌های اجتماعی که به پیروان خود و دیگران می‌دهد، نمونه بارز پرداختن به مسائل اجتماعی است. طرح ادعایی مبنی بر اینکه دلیل انحراف‌ها در زندگی انسان‌ها، نداشتن اهداف فردی و اجتماعی نیست، بلکه فراموشی اک و اکنکار سبب این گمراهی و انحراف است،⁵¹ از دیگر تلاش‌های تنظیم حسن روابط اجتماعی می‌باشد.

همچنین برگزاری کلاس‌ها و جلسات آشنایی بین اکیست‌ها از دیگر موارد دعوت به حسن روابط اجتماعی است. پال توئیچل و هارولد کلمپ در پاسخ به پرسش‌های چلاهای خود درباره روابط اجتماعی و تعامل با دیگران، آنها را به حسن روابط اجتماعی توصیه می‌کند. در جلسات مشاوره و روان‌پژوهی نیز این‌گونه سفارش‌ها به صورت مکرر ارائه می‌شود. دلیل این برخورد اجتماعی مثبت از سوی اکنکار، به این دلیل است که اکنکار هرگز نمی‌پذیرد در رده فرقه‌ها و آیین‌های دنیا، اجتماع‌ستیز قلمداد شود.

حذف هرگونه تبعیض ناروا

چهارمین مؤلفه‌ای که در تعریف دین گنجانده شده است، حذف هرگونه تبعیض نارواست. سلسله مراتبی که اکنکار برای چلاهای خود در نظر گرفته، بهترین مکانیسمی است که در این فرقه برای حذف تبعیض‌های اجتماعی درون گروهی تعبیه شده است.

هر فرد برای اینکه اکیست نامیده شود، باید مراحل طی کند. اکنکار مدعی است برای طی این مراحل باید عدالت رعایت، و مکانیسم مربوط به آن، به صورت دقیق انجام شود. آنها بر

این باورند که هر چلایی در پی ورود به اکنکار باید نزدیک به دو سال پیرامون اکنکار مطالعه، و از دیسکورس‌ها استفاده کند تا وارد حلقه‌های وصل شود. برای ورود به این حلقه، شرایطی لازم است که چلا باید آنها را کسب کند: «اولین شرط، داشتن دانش پایه‌ای از جهان‌بینی نوشتجات کتاب مقدس است؛ شرط دوم، آمادگی برای تخصیص چندین سال آموزش و مطالعه آثار اکنکار می‌باشد. سومین شرط نیز به کارگیری آموخته‌های درونی تحت رهنمودهای استاد حق در قید حیات است».⁵²

با گذر زمان و مطالعات بیشتر، چلاها به حلقه‌های بالاتر راه می‌یابند. برای هر کدام از حلقه‌ها، نام‌هایی وجود دارد. واصلان حلقه اول را «آکولایت»⁵³ و واصلان حلقه دوم را «آراهاتا»⁵⁴ گویند. «اهرات»⁵⁵ نام واصلان حلقه سوم است که توانستند وصل‌های یک و دو را پشت سر بگذارند. واصلان حلقه بعدی را «چاید»⁵⁶ گویند. به کسانی که توانسته‌اند حلقه پنجم را که نشانگر راهیابی به طبقه روح است کسب کنند، «مهدیس»⁵⁷ گفته می‌شود. ره‌یافتگان حلقه ششم را «شرادها»⁵⁸ و «واصلان» حلقه هفتم را «بهاکتی»⁵⁹ ها گویند. «گیانی»⁶⁰ نامی است که بر واصلان حلقه هشتم نهاده‌اند. واصلان حلقه نهم را «مولانی»⁶¹ ها تشکیل می‌دهند. دهمین گروه از واصلان «آدپیسکا»⁶² و یازدهمین آنها را «کوال شار»⁶³ نام نهاده‌اند در نهایت، واصل حلقه دوازدهم را «ماهاراجی»⁶⁴ یا «ماهانتا ماهارای»⁶⁵ می‌گویند که واصل به اوصاف سوگماد متعال است. در هر کدام از این وصل‌ها، به واصلان کلمات محرمانه‌ای داده می‌شود که مختص به خود آنهاست. این کلمه که بدان «مانترا» گفته می‌شود، نباید هیچ‌گاه فاش شود. این نمونه بارز مقابله با تبعیض در درون گروه اکیست‌ها تلقی می‌شود؛ اما در این باره نکاتی قابل توجه وجود دارد:

اول: برای پذیرش چلاها شرایط و ویژگی‌های خاصی بیان شده است؛ اما در حال حاضر به جهت نیازهای مالی اکنکار و نیز نیاز به ادعای گسترش، هیچ کدام از ملاک‌ها رعایت نمی‌شوند. هر شخصی با تکمیل فرم مربوطه و واریز مبلغ اشتراک، به راحتی می‌تواند عضو اکنکار شود. برای نمونه، اکیست‌ها در ایران تا سال 1375 م. با پر کردن فرم‌های تأمین‌شده توسط اداره اکنکار و واریز مبلغ تعیین‌شده از طرف ماهانتا، با مرکز اکنکار در آمریکا مکاتبه می‌کردند. این مبلغ در ابتدا 120 دلار بود که با نامه‌نگاری‌های ذلیلانه برخی از اکیست‌ها به هارولد کلمپ به 50 دلار کاهش یافت.

دوم: به‌رغم ادعای مکانیسم مشخص، هیچ‌کدام از وصل‌های ادعایی با مکانیسم خاصی صورت نمی‌گیرد. گاه سلیقه استاد ایجاب می‌کند به اشخاصی بدون ضابطه، وصل‌های پیاپی عطا کند؛ مانند آنچه درباره پتی سیمپسون بیوگرافی‌نگار پال توئیچل اتفاق افتاده است. درباره نبود تبعیض برون‌گروهی نیز اکنکار ادعاهای فراوانی دارد؛ به‌ویژه در حیطه دین‌داری

و باورمندی ادعاهایی مبنی بر احترام به غیر اکیست‌ها و نبود تبعیض بین آنها وجود دارد؛ اما همان‌گونه که گذشت با مقابلهٔ شدیدش با ادیان و باورهای دیگران، به صورت جدی در تضاد است.

ب: تعریف غربی از دین

اکنکار بیشتر سعی دارد تا خود را با تعریف‌هایی از دین وفق دهد که محصول فکری اندیشوران غربی است. برای مثال، می‌توان به مضمون تعریفی از «ماکس وبر» و بعضی دیگر اشاره داشت که دین را به منزلهٔ هر مجموعه مفروضی از پاسخ‌های محکم و منسجم به معماهای هستی بشر تعریف می‌کند؛ مانند تولد، ناخوشی یا مرگ که معنایی برای جهان و زندگی به وجود می‌آورند. در این تعریف‌ها، دین به امری می‌پردازد که آن را مسئلهٔ تفسیرپذیری خوانده‌اند که خود شامل پرسش‌های همیشگی دربارهٔ حقیقت نهایی و هدف جهان طبیعی و نیز معنای مرگ و رنج است.⁶⁶ آنتونی گیدنز نیز در کتاب مشهور جامعه‌شناسی خود دربارهٔ اساس دین می‌نویسد: علم و عقل‌گرایی دربارهٔ بنیادی‌ترین پرسش‌هایی که مربوط به معنا و هدف زندگی است، ساکت می‌مانند و همین پرسش‌ها هستند که همیشه اساس دین بوده و مفهوم ایمان یعنی پرش عاطفی به سوی باور و عقیده را پرورش داده‌اند.⁶⁷ اکنکار نیز برای پرداختن به معماهای اساسی بشر، تلاش‌های شایانی کرده است. باورهایی چون تناسخ و کارما⁶⁸ برای پاسخ به معمای پیچیده زندگانی بشر طراحی شده است. همچنین مسائلی مانند اک ویدیا و اک ایناری نیز به معماهایی چون رؤیاها و آینده‌بینی و گذشته‌بینی می‌پردازد. این دو باور مهم و اساسی اکنکار را می‌توان در تمامی کتاب‌های آنها به نظاره نشست؛ اما پال توئیچل برای طرح این دو مسئله، کتاب‌های مستقلی را با عنوان *اک ویدیا دانش باستانی پیامبری و اک ایناری علم الاسرار رؤیاها* ترتیب داده است.

با تعمق در تناقض میان نفی دین و ادعای دین و آیین بودن، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که دلیل تن دادن اکنکار به تناقض دین نبودن، بازگذاشتن شاهراهایی است که بتوان با دور زدن تعصب دینی متدینان دیگر ادیان، آنها را به اکنکار جذب کرد. تمام این گفته‌ها به خوبی روشن می‌سازد که اکنکار برای قرار دادن خود در جایگاه دین، از تمامی روش‌ها و ترفندها بهره می‌برد.

دوم: ادعاهای دین بودن اکنکار

اکنکار با ارائه تعریف‌هایی شگرف از خود و نیز ترسیم اهدافی سترگ و هماهنگ‌سازی برخی از اهداف اساسی و ویژهٔ خود با ادیان مطرح دنیا، گام‌هایی را در جهت شناساندن خود به‌منزلهٔ یک دین برداشته است. همچنین ویژگی‌هایی که اکنکار برای خود برمی‌شمارد، از دیگر مؤیدهای این دین ادعایی، بر دین بودنش است.

1. تعریف

با توجه به تعریف‌هایی که سازندگان این آیین و پیروان آن از آیینشان دارند، می‌توان ادعای دین بودنش را نتیجه گرفت.

کهن‌ترین راه برای رسیدن به سوگماد

از واژهٔ اکنکار تعریف‌های متعددی ارائه شده است؛ «شریعت کی سوگماد»⁶⁹ - کتاب مقدس ادعایی این شبه‌آیین - اکنکار را دانش باستانی سفر روح و کهن‌ترین آموزش‌ها برای رسیدن به سوگماد⁷⁰ تعریف کرده است.⁷¹ در پندار شریعت کی سوگماد، اکنکار، علمی دقیق و مشتمل بر تمامی آموزه‌هایی است که بشر برای زندگی سعادت‌مندانه بدان نیازمند است. براساس این تعریف، اکنکار از همهٔ آموزه‌های موجود، کهن‌تر بوده و سرچشمهٔ تمامی اعتقادات است. البته ناگفته نماند پال توییچل، بنیان‌گذار این فرقه در سال 1967م. این فرقه را بنا نهاده است!

طریق معرفت کامل

واژه‌نامهٔ اکنکار، آن را طریق معرفت کامل به معنای همکار خدا شدن، آموزه‌هایی در مورد نور و صوت⁷² که خلاصه‌ای از آموزه‌های نازل شده از طرف خداوند است، اساس تمامی علوم و کلیدی در راه کسب نیروهای معنوی و دانش باستانی سفر روح و ... تعریف کرده است.⁷³ از تعریف‌های دیگری که در این باره وجود دارد، می‌توان به کلیدی بر یافتن آزادی،⁷⁴ روح بی‌شکل الاهی،⁷⁵ طریق جریان صوتی سفیران اک⁷⁶ و نیروی معنوی سوگماد اشاره کرد.

منشأ وجود و بود و نبود

اکنکار به‌وجود آورنده و دربرگیرندهٔ تمامی افکار جهان‌های پایین شمرده شده است. ادعا می‌شود که هنر نویسندگی، موسیقی و مجسمه‌سازی گسترشی از آرمان‌های اکنکار است. همچنین اکنکار می‌پندارد دارای چرخهٔ دوازده‌گانه‌ای است که ادیان دوازده‌گانه مهم عالم از آن مشتق شده‌اند.

با همهٔ تعریف‌های گسترده‌ای که ارائه شد، باز هم پال توییچل مدعی است اکنکار نه مذهب است و نه یک فلسفه یا نظام متافیزیکی؛ بلکه راهی است به سوی خدا.⁷⁷

این سخن پال توییچل با تعاریفی که ارائه شد، ناسازگاری شدیدی دارد؛ زیرا تمامی مشخصه‌های یک دین و آیین و همچنین نظام متافیزیکی را برای اکنکار اثبات می‌کنند. وی در جایی دیگر، در تناقضی آشکار با ادعای پیشین خود می‌نویسد: «اک برای شما اصلین صرفاً شیوه‌ای نیست که به وسیلهٔ آن بتوانید از طریق سفر روح در جهان‌های دیگر سیر کنید، بلکه طریق زندگی محسوب می‌شود. همهٔ کسانی که در اکنکار هستند، می‌توانند به واسطهٔ آن معیارهای روزانه، زندگی‌شان را چه مادی و چه معنوی ارزشیابی نمایند».⁷⁸

اگر به تعریف‌هایی که از دین ارائه شده است بنگریم و آنها را در کنار ادعاهای اکنکار قرار دهیم، به راحتی می‌توان اثبات کرد که این آیین، در واقع ادعای ناگفته‌ای مبنی بر دین بودن دارد؛ اما با توجه به ترندهای متعددی که در یارگیری دارد، از به کار بردن این واژه دوری می‌گزیند تا بتواند به راحتی اذهان پیروان دیگر ادیان را تسخیر کند.

1. اهداف

راه سفر روح

یکی از اهداف مهم اکنکار را می‌توان در چند کلمه خلاصه کرد: «در طریق اک، مقصد نهایی همان راه است».⁷⁹ منظور از «راه» در این جمله، همان راه سفر روح و یا راه رسیدن به عوالم درون است. پال توئیچل می‌گوید: هدف اصلی ما قادر ساختن روح است به ترک کالبد و سفر آن به دنیا‌های ماوراء و عاقبت رسیدن به هدف غایی؛ آنامی لوک،⁸⁰ که نامی است برای سرزمین بدون نام یا بهشت حقیقی».⁸¹

در این ادعا، اکنکار راه و روش سفر روح را هدف خود تلقی می‌کند؛ در اینجا اکنکار روشن نمی‌سازد که هدف از خود سفر روح چیست؛ اما هدف پنداشتن سفر روح که در ادیان بزرگ مطرح بوده است، نوعی از ادعای دین بودن را به همراه دارد. اگر این ادعا به تنهایی هدف فرقه‌ای باشد، نمی‌توان آن را در زمره ادیان قرار داد؛ اما هنگامی که اهداف دیگری نیز در کنار آن مطرح می‌شود، ادعای دین بودن قوت می‌گیرد.

البته با نگاه به تمامی ادعاهای سفر روح اکنکار و نیز شیوه‌هایی که این فرقه برای سفر روح ارائه می‌دهد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که سفر روح در این شبه‌آیین، چیزی به جز خیال و تصور نیست. پال توئیچل بنیان‌گذار و مدع این فرقه، روش‌های سفر روح را در چهار روش خلاصه کرده است. وی روش عاطفی را اولین و روش صوتی را دومین روش می‌داند. روش سوم رمزی است و چهارمین روش نیز روش‌هایی است که استاد نامیده می‌شود.⁸² وی در جای دیگر، روش‌هایی چون خلسه بی‌واسطه، رقص چرخان دراویش، روش خواب و رؤیا، انعکاس بی‌واسطه و تکنیک عبادتی و تفکری را نیز از روش‌های سفر روح دانسته است.⁸³

شیوه‌های گفته‌شده در روش تفکری و روش تخیلی، تقریباً در تمامی روش‌های دیگر که پال و هارولد بدان‌ها اشاره کرده‌اند، وجود دارد.

در روش تخیلی، قانون تازه‌ای وجود دارد؛ این قانون می‌گوید: «هر کجا فکر برود، کالبد ملزم به پیروی از اوست. در این روش، ما با قوه خیال خود به آن نقطه سفر می‌کنیم. در فرایند خیال، روح، اشتیاق حضور در آنجا را یافته و از کالبد جدا شده، به آن نقطه سفر خواهد کرد». روش تفکری نیز بنا بر ادعای پال، دقیقاً از قانون مزبور تبعیت، و روح را وادار به سفر

می‌کند. پال مدعی است این قانون یکی از قوانین علم فیزیک است و ما با آن آشنایی داریم. البته وی هرگز نام این قانون را در علم فیزیک مشخص نمی‌کند و ما نیز به چنین قانونی دست نیافتیم. به هر حال، در اینجا این خیال ماست که سفر می‌کند نه خود ما. این سفرها را اکنکار در رؤیابینی خود با نام «رؤیای بیداری» می‌شناسد که کاملاً خیالی و وهمی است.⁸⁴

راه رسیدن به سوگماد

از دیگر اهداف ادعایی اکنکار، «نشان دادن راه سرمنزله‌ای به انسان است».⁸⁵ در اینجا نیز اکنکار در ارائه راهکارهای واقعی رسیدن به سرمنزله‌ای با ناکامی بزرگی روبه‌روست و تمامی راه‌کارهای ارائه‌شده، تنها خدایی خیالی و تصویری را پیش‌روی انسان قرار می‌دهد؛ اما این نیز یکی دیگر از اهداف عالی و سترگ ادیان الهی است که اکنکار آن را به عاریت گرفته است. گفتنی است گستره‌ی خدای اکنکار در عوالم خیالی‌اش تا بدان‌جاست که انسان نیز خدا می‌شود.⁸⁶ در بیشتر روش‌هایی که برای سفر روح و رسیدن به سوگماد ارائه شده است، خیال و تصور عنصر اصلی است: «در صورت تمایل می‌توانید مراقبه‌ی زیر را انجام دهید. ... اینک تصور کنید که در کالبد روح بر روی همان پله از زیگورات معبد ایستاده‌اید.⁸⁷ مشاهده می‌کنید اولین گامی که اکنکار برای خروج انسان از کالبد فیزیکی در جهت رسیدن به خدا ارائه می‌دهد، با تصور و خیال آغاز می‌شود.

البته پیامبر ادعایی این فرقه مدعی است هدفش هرگز اکتساب و توسعه‌ی معنویت نیست. وی چنین می‌نگارد: «به هر حال، هدف اکنکار، اکتساب و توسعه‌ی این قبیل قدرت‌های سیدھی (معنوی) نیست».⁸⁸ اما در جایی دیگر با نفی این مطلب ادعا می‌کند که هدف اکنکار، ایجاد و گسترش معنویت است: «هدف واقعی اک این است که معنویت را در دنیای فیزیکی ترجمه کرده و پیام حقیقت را به همگان برساند».⁸⁹

هارولد کلمپ،⁹⁰ استاد حق در قید حیات⁹¹ اکنکار نیز ادعای دوم را پذیرفته است؛ وی می‌نویسد: «هدف از طریقت اک، تقویت بنیه‌ی معنوی فرد در راه استاد شدن در مسیر خویشتن است».⁹²

آن‌گونه که در خداشناسی اکنکار ذکر می‌شود، مسیر حرکت انسان به سوی خویشتن است؛ زیرا خود، خدایی از تجلیات خداوند است یا آن‌گونه که پال توئیچل در دندان بربدان می‌رسد، او خود، خدای اعلی‌علیین است. از این‌رو، هارولد کلمپ دستیابی به معنویت را برای تقویت بنیه‌ی معنوی در مسیر خویشتن برشمرده است.

به هر حال، خواه هدف را چیزی جز کسب تعالی معنوی بدانیم - آن‌گونه که پال توئیچل در جملات اول بدان پرداخته است - و خواه دستیابی به تعالی معنوی - که هارولد کلمپ و پال توئیچل بدان اشاره کرده‌اند - گامی بزرگ به‌شمار می‌رود که اکنکار در راه اثبات دین بودن خود برداشته است.

ویژگی‌ها

کهن‌ترین

پیروان اکنکار آن را کهن‌ترین آموزش‌ها و آموزه‌هایی می‌دانند که بشر در دست دارد. مدرک و دلیل ارائه‌شده، برای این ادعا، نوشته‌های ناکل⁹³ است؛ بنا بر ادعای اکنکار، این نوشته‌ها در معبد کاتسوپاری،⁹⁴ و از دیدگان مردم غایب است. فرض بر این است که سند و مدرکی که برای ادعایی ارائه می‌شود، باید دو ویژگی داشته باشد: اول اینکه یقینی بوده و هیچ شکی در آن وجود نداشته باشد؛ دوم اینکه به راحتی قابل دسترسی و ارزیابی محققان باشد.

اکنکار با ارائه مدرکی به نام نوشته‌های ناکل، از اثبات ادعای خود سر باز می‌زند و هرگز پاسخ نمی‌دهد که این نوشته‌های ناکل چیست و چگونه می‌توان بدان‌ها دست یافت. این ادعا که آنها در معبدی نگهداری می‌شود که فقط اساتید اک بدان دسترسی دارند نیز پاسخ درخوری نیست و خواننده را به تعجب وامی‌دارد.

بدیهی است اسنادی که اکنکار برای اثبات مدعای خویش بدان‌ها دست یازیده است، هیچ‌کدام معتبر نیست.

ریشه حیات

اکیست‌ها عقیده دارند اکنکار اصل اساسی، منشأ و مبدأ همه چیز است. پال توئیچل در شریعت کی سوگماد می‌نویسد: «هر آنچه در هستی است، از اک پدید آمد و هستی‌اش تنها به واسطه حضور اک دوام می‌یابد ... اک ریشه و بنیان حیات است.»⁹⁵ وی همچنین می‌نویسد: «اک، کالبد تمامی نشانه‌های حیات، اعم از بصیرت معنوی، شادابی و طراوت است.»⁹⁶ برای این ادعا نیز هیچ دلیلی ارائه نشده است و تنها می‌توان ادعاهای دیگر اکنکار مانند نوشته‌های پال توئیچل و دیگران را به مثابه دلیل تلقی کرد؛ اما همان‌گونه که روشن است، ابتدا باید ادعاهای موجود در نوشته‌های اکیست‌ها ثابت شود تا بتوان از آنها به مثابه دلیل استفاده کرد.

مبدأ ادیان

مبدأ و منشأ ادیان دیگر بودن نیز از فرضیه‌هایی است که اکیست‌ها بدان باور دارند. در جای‌جای کتاب‌های اکنکار فراوان با این ادعا روبه‌رو می‌شویم که اکنکار، مبدأ و منشأ تمامی ادیان، مذاهب، فرقه‌ها، فلسفه‌ها و حتی دانش‌های دیگر است.

بنیان‌گذار این شبه‌آیین می‌نویسد: «اک، سرچشمه تمامی مذاهب می‌باشد و تمامی زندگی را در بر می‌گیرد. بنابراین طبق قانونی الهی، تمامی مذاهب، دانش‌ها و همچنین تمامی نوشته‌های مقدس و نیز تمامی قوانین زندگی از اک مشتق شده‌اند.»⁹⁷ این ادعای اکنکار را دو گونه باید نقد کرد:

1. اگر ادیان دیگر از اک نشئت گرفته‌اند، پس باید ادیان دیگر، نشئه و مقداری از حقانیت را با خود داشته باشند؛ اما اکنکار افزون بر اینکه در بسیاری از مواقع به رد کلی ادیان می‌پردازد، آنها را ساخته کل نیرانجان،⁹⁸ شیطان، بشر و یا حتی زنان می‌داند. پال توئیچل ادعا می‌کند عوام‌الناس برای رفع مشکلات خود در صدد تدوین قانون و شرعیات برمی‌آیند؛ آنها به دنبال کسانی می‌گردند که بتوانند این حاجت را برایشان مهیا سازند. از این‌رو، ادیان و مذاهب ساخته و پرداخته می‌شوند تا بشر را سرگرم کنند.⁹⁹

وی مدعی است فرقه‌ها، ادیان و فلسفه‌ها به این منظور تأسیس شدند که پیروانشان را متقاعد کنند پایه‌گذاران، چقدر بلندپایه و تزلزل‌ناپذیر بوده‌اند. برای مثال، برگسون، هگل، داروین، نیچه، سقراط، فروید، بیکن و بسیاری دیگر، همه ملعبه دست شنوندگانی بودند که میلی افراطی به این داشتند که به آنها ارج و مقام و منزلت بخشند.¹⁰⁰ وی همچنین می‌نویسد: «زنان طبقه زمینی، باعث و مسئول تشکیل ادیان و مذاهب هستند... به تعبیری، زنان یونان قدیم از زنان امروزه که دم از تساوی حقوق و مقام اجتماعی با مرد می‌زنند، در وضعیت بهتری قرار داشتند».¹⁰¹ در بررسی اجمالی به این نتیجه می‌رسیم که اکنکار در یک سردرگمی نمی‌تواند به درستی تشخیص دهد که خاستگاه و منشأ ادیان، اکنکار است یا چیزهای دیگری که پال توئیچل بدان‌ها اشاره کرده است.

2. اگر اکنکار منشأ و مبدأ تمامی ادیان است، نباید در آن تناقض باشد؛ درحالی که وجود تناقض‌های فراوان در اکنکار از خداباوری گرفته تا روش‌های سفر روح و ... نشان می‌دهد که این فرقه نمی‌تواند این ادعا را داشته باشد. در این وادی، یک محقق هرگز نمی‌تواند دریابد ادیان دیگر چه مقداری از حقانیت اکنکار را به یغما برده‌اند؛ برای مثال، درباره خداباوری نمی‌توانیم بفهمیم آیا توحید اسلام حق بوده و بر مبنای اکنکار صحیح است یا تثلیث مسیحیت با درجه خلوص اکنکاری سازگار است. همچنین در این مسئله در خواهیم ماند که مبدا دین امانیسیم آگوست کنت صحت داشته، و انسان خود خدای خویشتن باشد؛ در حالی که با نگرشی اجمالی می‌توان تمامی این موارد را از خداباوری اکنکار پیدا کرد.

اکنکار مدعی است که در برگرنده آموزه‌های همه مذاهب و فلسفه‌هاست؛ یعنی اگر آموزه‌های همه مذاهب و فلسفه‌ها گردآوری شوند، اکنکار از آن میان متولد می‌شود. نباید از یاد برد که اکنکار در بسیاری از مواقع به رد بنیادی ادیان و مذاهب می‌پردازد. همچنین چنان به فلسفه می‌تازد که گویا هیچ راهی برای پذیرفتن آن وجود ندارد. پس چگونه ممکن است اکنکار - که به نظر اکیست‌ها حق مطلق است - آموزه‌هایی را در خود جای داده باشد که همه، ناحق و باطل هستند.

شکل‌دهنده وقایع عالم

بنیان‌گذاران این طریق از تمامی ظرفیت‌های موجود در بشر برای جلب پیرو استفاده کرده‌اند. بسیاری از مردم در پی آنند تا بتوانند وقایع را به گونه‌ای دلخواه تنظیم کنند. اکنکار مدعی است که تمامی وقایع و حوادث از اک نشئت می‌گیرد. از این‌روی، برای پیشگیری از آنها و یا جهت‌دهی دلخواه به آنها باید به اکنکار پناه آورد. علم اک ویدیا یا دانش باستانی پیامبری¹⁰² که به پیشگویی و گذشته‌بینی می‌پردازد، به همین منظور پایه‌ریزی شده است. در واقع، اکنکار با اختراع اک ویدیا نوعی فال‌بینی و فال‌گیری را رواج می‌دهد.

قابل فهم عمومی بودن

اکنکار ادعا دارد آموزه‌هایی را برای بشر به ارمغان آورده است تا انسان را از پیچیدگی ادیان و مسلک‌های عرفانی نجات دهد. بسیاری از مواقع نیز این را امتیازی برای خود تلقی می‌کند. البته همان‌گونه که در بیشتر مواقع شاهد هستیم، تناقض‌گویی‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. پال توئیچل در مناسبت‌هایی که از تحلیل و توضیح ادعاهای خود درمانده می‌شود، با بیان اینکه آموزه‌های اک دارای پیچیدگی هستند و تنها معدودی از انسان‌ها آن را درک می‌کنند، به فراقنی پرداخته است؛ برای مثال، وی هنگامی که درباره نحوه کارکرد اک و مزایای عجیب آن سخن می‌گوید، از این ترفند بهره می‌جوید: «معدود کسانی هستند که قادر به فهم و تشخیص نحوه کارکرد اک باشند. حیطة آن [این چنین پر جلال و بی نهایت پهناور است. انتخاب‌شدگان اندکی که به سوی آن می‌آیند، در مقایسه با سایر طرق معنوی، در واقع سعادت‌مندترین پیروان به حساب می‌آیند».¹⁰³

پال توئیچل ادعا می‌کند فهم اک و کارکرد آن فقط از عهده انتخاب‌شدگان برمی‌آید و بقیه مردم از درک آن عاجزند؛ در حالی که با توجه به برخی ادعاها و نیز آموزه‌های اکنکار - به ویژه اصل خوداستادی - آنها مدعی‌اند تعالیم‌شان قابل درک برای عموم مردم است.

گفتنی است اکیست‌های واقعی و استادان واقعی اکنکار هرگز خود را ملزم به جواب دادن به این تناقض‌ها و یا اشکال‌ها نمی‌دانند. اعتقاد بر این است که این‌گونه تناقض‌ها کشفیات عقل است و سیستم تفکر انسان، آنها را کشف می‌کند؛ در صورتی که این تجربیات باید تجربه شوند! به طور کلی، اکنکار به سبب وجود این‌گونه تناقض‌های روشن، هرگز روی خوشی به عقل و عقلا و منطقیان نشان نداده است. اکنکار با پیوند دادن عقل به ذهن و تعریفی که از ذهن ارائه می‌کند، عقل و تفکر را نیز از جانب شیطان تلقی می‌کند.

البته مسئله اساسی این است که اگر فقط عده‌ای از برگزیدگان را یارای درک واقعیت‌های اکنکار است، پس چگونه باید این دین به پرسش‌های عالم‌گیر اذهان بشر پاسخ دهد. اگر افراد

بشر بخواهند به این آیین بگردند، باید پاسخ‌های خود را با دلیل و برهان دریابند تا ایمان آورند. در حالی که با گفته‌های پیشین اکنکار، به این نتیجه می‌رسیم که باید بدون دلیل و منطق خاصی به اکنکار بگرویم و پس از مطالعاتی که نزدیک پانزده سال به طول می‌انجامد و شبیه نوعی ذهن‌شویی است؛ بتوانیم با تجربیات خیالی پاسخ پرسش‌هایمان را دریابیم.

قدرت اکنکار

ادعای دیگر آنها دربارهٔ قدرت لایتناهی و اعجاب‌انگیز اکنکار است. پیروان پال توئیچل مدعی‌اند اکنکار آن‌چنان قدرت شگرفی دارد که می‌تواند هرگونه انحرافی را در انسان و جوامع بشری از بین ببرد. به دست آوردن این قدرت است که انسان را در زندگی فردی و اجتماعی به هدف نزدیک می‌کند. اکنکار با حمله به تمامی مصلحان اجتماعی و روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، آنان را به این گمانه‌زنی متهم می‌کند که دلیل انحراف‌ها در زندگی را نداشتن اهداف فردی و اجتماعی می‌دانند، در حالی که آنها سخت به بیراهه می‌روند. اکنکار مدعی است آنها نمی‌دانند آنچه سبب این گمراهی و انحراف است، فراموشی اک و اکنکار است.¹⁰⁴

برای اثبات این ادعا نیز کافی است نگاهی به جوامعی بیندازیم که اکنکار در آن تولد و رشد یافته است. اگر واقعاً اکنکار می‌توانست بدون مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به اصلاح این جوامع بپردازد، هرگز نباید آمار جرم و جنایت و فقر و فحشا و ... انسان را دچار نگرانی کند؛¹⁰⁵ اگر گرایش به اکنکار می‌توانست نفسانیات انسان را به گونه‌ای بخشکاند که انسان به قلۀ تعالی معنوی و صلاح صعود کند، نباید «داروین‌گرایس» دومین استاد حق در قید حیات، دچار انحراف می‌شد.¹⁰⁶

البته شاید گفته شود وی دچار انحراف نشده و کسانی که او را برکنار کرده‌اند، دچار انحراف شده‌اند؛ در این صورت نیز باید پاسخ داده شود که مگر نه این است که برکنارکنندگان وی، اهالی اکنکار بوده‌اند؟ به هر حال، با این واقعه ثابت شد که اکنکار حتی توانایی اصلاح استادان خود را نیز ندارد؛ چه رسد به اصلاح تمام انسان‌ها و جوامع انسانی.

زنده و پویا بودن!

به نظر پیروان این طریق، تمام جذابیت اکنکار در این است که راهی زنده و پویاست. آموزه‌های آن نیز ریشهٔ باستانی دارد، از محدودهٔ زمان فراتر است. این آموزه‌ها در هر زمانی بر اکیست‌ها نازل می‌شود! چلاها می‌توانند این آموزه‌ها را در رؤیا و بیداری دریافت، و بدان عمل کنند.¹⁰⁷ راه دریافت این الهامات نیز مشخص است. روش‌هایی که همه و یا بیشترین جزء آن را تخیل دربر می‌گیرد، این الهامات را برای چلاها به ارمغان می‌آورد. به تعبیر روشن‌تر، در هر زمانی

اکیست‌ها می‌توانند با غوطه‌ور شدن در تخیلات خود و با استفاده از روش‌های تصویری و خیالی، آموزه‌های زنده‌اک را دریافت دارند.

فقط اکنکار

مفهوم «فقط اک» یا «فقط اکنکار» واژگانی است که در ورق‌ورق کتاب‌های آنان موج می‌زند. تنها راه کسب آرامش قلبی و خلاصی از سنگینی بار کارما برای چلا، از طریق اک میسر است.¹⁰⁸ یا این‌که: «تنها اک است که آدمی را آن چنان بیدار می‌کند که به درک کامل طبیعت الاهی خویش نایل شود. این عمل از عهده هیچ موجودی بر نمی‌آید. تمام کسانی که این درک را در مذاهب گوناگون، فرقه‌ها و مکاتب دیگر جست‌وجو می‌کنند با شکست مواجه خواهند شد».¹⁰⁹

واژه دیگری که درباره اکنکار و انحصار حقانیت در آن به کار رفته است، «مگر اکنکار» است. پال توئیچل می‌نویسد: «ورود به اقلیم بهشتی میسر نمی‌شود، مگر به یاری آموزش‌های اکنکار».¹¹⁰ و یا این‌که: «از آنجا که همه چیز در کیهان ماده تحت نظارت کل نیرانجان (قدرت منفی) قرار دارد، هیچ نماد منحصربه‌فردی که حقیقت را بیان کند نداریم، مگر اکنکار».¹¹¹ به هر صورت اکنکار با هزار زبان در پی آن است که حق را منحصر در اکنکار جلوه دهد: «هر کسی می‌تواند هر راهی را که به سوی خدا منتهی می‌شود دنبال کند، اما به جز طریق اک، او نمی‌تواند به عالم نهایی، اقیانوس عشق و رحمت، دسترسی یابد».¹¹²

ابدی بودن

از دیگر وجه تمایزها و ویژگی‌هایی که اکیست‌ها برای آیین خود بر می‌شمارند، ازلی بودن است. ادعا این است که تنها اکنکار ابدی و ازلی است و تمامی ادیان بیش از هزار سال پویایی نداشته‌اند. اکنکار نه نقطه آغازینی دارد تا کسی بدان اشاره کند، و نه نقطه پایانی دارد تا بتوان از آن خبر داد.¹¹³ در اینجا نیز توجه به دو مطلب اهمیت دارد:

اول اینکه برای ادعای ابدی بودن اکنکار، هیچ دلیلی وجود ندارد و تنها ادعای بنیان‌گذار این فرقه دلیل آن محسوب می‌شود. البته وی نام استادان فراوانی را از دوران‌های مختلف به میان می‌کشد که مدعی است آنها استادان اک بوده‌اند؛ اما تا آنجا که نوشته‌های برخی از این استادان وجود دارد، هیچ نامی از اکنکار و اک و واژگان اختصاصی این فرقه وجود ندارد. برای مثال، پال توئیچل کتاب *مثنوی معنوی* را اولین کتاب جهان‌بینی اک معرفی می‌کند؛ اما هیچ نام و نشانی از اکنکار و واژه‌های آن در این کتاب وجود ندارد. به راستی، اگر *مثنوی معنوی* مولوی کتاب جهان‌بینی اک است، باید تمام اکیست‌ها مسلمان بوده و نماز و روزه و حج به جا آورند؛ زیرا این کتاب، سرشار از آموزه‌های ناب اسلام است.

دوم اینکه ادعا می‌شود هیچ یک از آیین و ادیان بیش از هزار سال پویایی نداشته‌اند. این ادعایی است که کذب آن بر هیچ انسانی پوشیده نیست؛ زیرا دین مسیحیت، دوهزار ساله است و دین اسلام نیز در مقام پویاترین دین موجود، نزدیک هزار و پانصد سال است که هدایت بشر را بر عهده دارد. البته این اکنکار است که باید پاسخ دهد با طلوعی که در سال 1965 میلادی داشته و توسط پال توئیچل به دنیا پا نهاده است، چگونه ادعای ابدی و ازلی بودن می‌کند؟

4. عدم اجازه ارتداد

از دیگر نشانه‌های باورمندی این شبه‌آیین به دین، موضوع ارتداد است. ارتداد و نوع تبیین آن نشان می‌دهد که فرقه یا آیینی که وارد بحث ارتداد و ممنوعیت آن شده است، خود را دین می‌داند؛ زیرا اگر ادعای دین بودن نباشد، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد باورمندان خود را از برگشت و روی گردانی منع کند.

این شبه‌آیین، ادیان را متهم می‌کند که از نظر عقیدتی، پیروان خود را محصور می‌کند تا آنها نتوانند از دین خود خارج شوند؛ اما خود بار دیگر در تناقضی آشکار برگشت از اکنکار را منع کرده است. از سویی اکنکار در یک ادعا، انسان را آزاد می‌داند تا بتواند از دینی به ادیان دیگر تغییر عقیده دهد و از سوی دیگر، با اینکه پیوستن پیروان دیگر ادیان به اکنکار را بی‌اشکال می‌داند، اما حق خروج از اکنکار را از پیروان خود سلب می‌کند. کتاب مقدس ادعایی اکنکار می‌گوید:

وای بر کسی که جلای استاد حق در قید حیات باشد و در عین حال از طریق عقیدتی، جهان‌بینی و مجاهدت معنوی دیگری هم پیروی کند. او از عواقب این بی‌خردی رنج خواهد برد ... اگر واصل اکنکار شده باشد، امکان عدول از طریق اک برایش ممکن نخواهد بود؛ مگر آرزوی یک زندگی پر از مصیبت و رسوایی در سر داشته باشد.¹¹⁴

این کتاب تذکر می‌دهد یک اکیست هرگز نباید برای آموزش‌ها و آیین‌های دیگر، احترام و اعتباری قائل شود. به بیان روشن‌تر، این شبه‌آیین، «تغییر مسلک» را به طور کلی از این مسلک نفی می‌کند: «چلا هرگز از عقیدت خود به راه اک تغییر مسلک نمی‌دهد. تسعیر و تغییر کیش در عرصه فعالیت اکنکار وجود ندارد».¹¹⁵ البته روش این کتاب درباره جدایی از ادیان دیگر به گونه‌ای دیگر است: «آدمی باید تمامی عقاید و نظریات، فرضیه‌ها و باورها را کنار گذاشته، و با خلوص و شدت هر چه تمام‌تر نظری به این اصل عظیم «اک» بیندازد».¹¹⁶ در اینجا نیز اکنکار بار دیگر دچار تناقض‌گویی و خصلت دوگانگی شده است. اگر ارتداد و برگشت از دین کاملاً آزاد است و بنا بر تکثرگرایی همه حق‌اند و حظی از حقیقت برده‌اند، پس باید بازگشت و ارتداد از اکنکار نیز صحیح باشد. پس چرا اکنکار مرتدان از اک را با ارباب و تهدید خود تشویق! به باقی ماندن می‌کند؟

البته بسیاری از ادیان دیگر نیز با ارتداد برخورد شدیدی دارند؛ اما آن ادیان هرگز قائل به تکثرگرایی و حقانیت همگانی نبوده و همانند اکنکار، آشکارا دچار تناقض نمی‌شوند. آنها چون اولاً خود را دین می‌دانند و دوماً حق را واحد می‌شمارند، قائل‌اند که حقانیت را باید از طریق وحی الاهی دریافت کرد؛ از این رو، پیروان خود را از ارتداد منع می‌کنند.

نتیجه‌گیری

اکنکار به‌رغم اینکه سعی دارد با دوری‌گزیدن از ادعای صریح دین بودن به راحتی از کمند عواطف و غیرت دینی افراد بشر عبور کند، اما برای اینکه بتواند به خوبی جایگاه اثباتی خود را استحکام ببخشد، تمامی مشخصه‌ها و کارکردهای دین را برای فرقه خود متعین می‌شمارد. این شبه‌آیین بیشترین تلاش خود را می‌کند تا بتواند با یک تناقض شیرین، دیگران را به خود جذب کند.

بررسی ادعای دین بودن و کارایی دین‌داری اکیست‌ها به مجالی دیگر نیازمند است؛ اما در همین خلاصه نیز به راحتی می‌توان ادعا کرد که تلاش‌های تناقض‌آمیز این شبه‌آیین در برزخ دین بودن و دین نبودن، به تلاش مذبوحانه‌ای می‌ماند که کارایی نداشتن آن بر هر محقق‌ی روشن است.

در واقع، این نوشتار نشان می‌دهد که اکنکار به صورت کاملاً زیرکانه قصد دارد بدون اینکه با تعصب دینی پیروان دیگر ادیان مبارزه کند، خود را به جای دین آنها نشانده و تمامی کارکردهای دین را ایفا کند.



پی‌نوشت‌ها

1

2. Eckankar
3. Paul Twitchell.
4. Swdar sing.
5. مترجم کتاب‌های پال توئیچل درباره‌ی خاستگاه اکنکار می‌نویسد: اکنکار از درون سه مکتب به صورت بارزی رشد پیدا کرده است: آناه‌د یوگا، صوفیسم (که همین عرفان خودمان است) و لامایسیم. لامایسیم به عنوان مکتب الاسرار در کوهستان‌های تبت حفظ شده است. پال توئیچل از طریق ر بازار تارز که خود یک لاماست راه یافته. به طور کلی مقامات بالای روحانی تبت لاما نامیده می‌شوند. اینان همیشه جانشینان مشخصی دارند که خودشان انتخاب می‌کنند و تنها عده مشخصی می‌دانند که جانشین آنها کیست؛ مثلاً یک عده از لاماها همان سفید پوشانی هستند که با چشم بسته در کوهستان‌ها حرکت می‌کنند، به دنبال جانشین بعدی لامای خود هستند و معتقدند لامای آنها تناسخ‌های پی در پی بوداست. (ر.ک: پال توئیچل، اکنکار کلید جهانهای اسرار، ص 47، پاورقی.)
6. ر.ک: براد استایگر، نسیمی از بهشت، ص 79. برای آشنایی بیشتر با روحيات و زندگانی پال توئیچل به دو زندگی نامه وی که توسط براد استایگر در کتاب نسیمی از بهشت و پتی سیمپسون در کتاب پالچی تدوین شده است مراجعه شود.
7. Gill Twitchell
8. MAHANTA
9. براد استایگر، نسیمی از بهشت، ص 102.
10. ر.ک: پال توئیچل، نامه‌هایی به گیل، در دو جلد.
11. ECK
12. ر.ک: پال توئیچل، واژه نامه اکنکار، ترجمه یحیی فقیه.
13. SUGMAD
14. ر.ک: پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 135-138.
15. KARMA
- ¹⁶ برای توضیح بیشتر در این زمینه ر.ک: احمدحسین شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانی‌های کاذب.
17. ر.ک: هارولد کلمپ، تمرینات معنوی اک، ص 21، 28، 164-176 / نیز همو، روح نوردان سرزمین‌های دور، ص 76-77.
18. پال توئیچل، نامه‌های طریق نور، ص 11.
19. جعفر سبحانی، مجله نقد و نظر، ش 3، ص 19.
20. Eckist به پیروان آیین اکنکار اکیست می‌گویند. همچنین اکیست به شاگردان و مریدان ماهانتا نیز اطلاق می‌شود.
21. پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 274-275.
22. برای اطلاع از نحوه پاسخگویی رهبران اکنکار به پرسش‌های اکیست‌ها می‌توانید به کتاب‌های از استاد بپرسید 1 و 2 نوشته هارولد کلمپ ترجمه هما جابری زاده و امیته اخوان تختی نیز کتاب نامه‌های طریق نور نوشته پال توئیچل ترجمه مینو ارزنگ مراجعه کنید.
23. پال توئیچل، اکنکار کلید جهان‌های اسرار، ص 172.
24. در ادامه و با معرفی روشهای اکنکار با این مهم آشنا خواهیم شد.
25. پال توئیچل، دندان ببر، ص 257.
26. پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 162.
27. همان، ج 1، ص 255.
28. ر.ک: پال توئیچل، اکنکار کلید جهانهای اسرار، ص 223.
29. پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 106
30. همان، ج 1، ص 160.
31. DISCOURS

32. chela . چلا اصطلاحی است که به شاگردان استاد اکنکار اطلاق می‌شود. در واقع چلا به کسانی اطلاق می‌شود که با واریز مبلغی به صورت ماهانه به حساب موسسه اکنکار از دیسکورسها و مراحل آموزشی آن استفاده کرده و خود را سر سپرده ماهانتا می‌دانند.

33. پالتوئیچل، نامه‌های طریق نور، ص 212.

34. SATSANG.

35. پال توئیچل، نامه‌های طریق نور، ص 250.

36. همان، ص 260.

37. پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 312.

38. همان، ص 312.

39. پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 312.

40. تادکرامودوگ منسون، اکنکارحکمت باستانی عصرحاضر، ص 72.

41. همان، ص 73.

42. Kal miranjan شیطان آیین اکنکار. شخصیتی خیالی که اکنکار از آن با عنوان شرورتین و متخلف‌ترین شخصیت نام می‌برد و مدعی است او همان خدای ادیان دیگر است. البته اکنکار در تناقضی اشکار کل نیرانجان را عامل سوگماد نیز معرفی می‌کند.

43. ر.ک: پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 193.

44. ر.ک: همان، ج 1، ص 235-237.

45. Kama

46. Krodha

47. Lobha

48. Moha

49. Ahankara

50. نک: پال توئیچل، اکنکار کلید جهانهای اسرار، ص 26.

51. ر.ک: پال توئیچل، نامه‌های طریق نور، ص 277.

52. ر.ک: پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 244-245.

53. ACOLYTE

54. ARAHATA

55. AHRAT

56. CHAID

57. MAHDIS

58. SHERADHA

59. BHAKTI

60. Gyanee

61. moulani

62. adeptiseka

63. kevalshar

64. Maharaji

65. mahanta maharani

66. ر.ک: ماکس وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، نیز سایت رسمی دایرة المعارف طهور / 208 / 22

<http://www.tahour.net/content/view/>

67. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ص 766.

68. با مراجعه به کتابهای اصلی اکنکار مشاهده می‌شود تقریباً تمامی صفحات این نوشته‌ها درباره تناسخ و کارما سخن گفته‌اند.

69. Shariyat- Ki - Sugmad: نوشته‌هایی که در اکنکار مقدس شمرده می‌شوند. این نوشته‌ها شامل دوازده بخش در

جهان‌های معنوی است که هیچ کس به جز اساتید اک بدان دسترسی ندارند. تاکنون هیچ کس آنها را ندیده است، ولی ادعا

می‌شود دو بخش اول آن توسط «پال توئیچل»، بنیان‌گذار اکنکار در عصر جدید به قالب فیزیکی در آمده است. این کتاب

آکنده از تناقضاتی است که ادعاهای پیشینی و آسمانی بودن آن به وضوح رد می‌شود. مثلاً پال توئیچل در این کتاب که به

- قول خودش از ازل در آسمانها بوده و او موفق شده آنها را ترجمه کند نام خودش و وقایع زمان خودش را نیز ذکر کرده است. همچنین نام اشخاص و وقایعی که در زمانهای اخیر رخ داده در این کتاب ذکر می‌کند.
70. sugmad خداوند اعلیٰ علیین اکنکار است. سوگماد آخرین خداوند از خداوندان دوازده گانه اکنکار است که می‌توان آن را با خدای خدایان آیینهای شرقی برابر دانست.
71. پال توئیچل، شریعت کی سوگماد، ج 1، ص 34.
72. نوروصوت خدا؛ روح القدس یاروح الاهی است. نور و صوت از ویژگیهایی است که اکنکار برای خدایان خود بر می‌شمارد. به نظر اکنکار این نور و صوت الاهی مهم‌ترین ویژگی و نمود خداوندان است.
73. پال توئیچل، *واژه نامه اکنکار*، ص 79.
74. براد استایگر، *نسیمی از بهشت*، ص 31.
75. پال توئیچل، *سرزمین‌های دور*، ص 39.
76. همان، ص 238.
77. پال توئیچل، *نامه‌های طریق نور*، ص 11.
78. همان، ص 267.
79. پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 196.
80. ANAMI LOK : جهان متعالی خداوند، محل زندگی و فرمانروایی مطلق خداوند. طبقه ای از طبقات آسمان است که به نظر اکنکار محل و مأوی خداوند است.
81. پال توئیچل، *اکنکار کلید جهانهای اسرار*، ص 16-17.
82. ر.ک: همان، ص 67.
83. همان، ص 50.
84. ر.ک: پال توئیچل، *اکنکار کلید جهانهای اسرار*، ص 73-78.
85. جیمز پال دیویس، *گاه شمار استاد رؤیا پردازی*، ص 180.
86. ر.ک: پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 26 / *همو، نی نوای الاهی*، ص 23 / نیز ر.ک: *همو، اک ویدیا*، ص 222 / نیز *همو، اکنکار کلید جهانهای اسرار*، ص 129.
87. جیمز پال دیویس، *گاه شمار استاد رؤیا پردازی*، ص 181.
88. پال توئیچل، *اک ویدیا*، ص 27.
89. پال توئیچل، *نامه‌های طریق نور*، ص 172.
90. HAROLD KELEMP
91. استاد حق در قید حیات (استاد زنده اک)؛ لقب رهبر معنوی اکنکار است که وظیفه هدایت ارواح به سر منزل الاهی را بر عهده دارد. او در بُعد فیزیکی به عنوان استاد ظاهر، در رؤیا تحت عنوان استاد رؤیا، و در عوالم معنوی تحت عنوان استاد درون، دانشجویان معنوی را یاری می‌کند.
92. هارولد کلمپ، *از استاد بپرسید*، ج 1، ص 134.
93. با این که اکنکار بارها به این نوشته‌ها استناد می‌کند ولی هرگز درباره آنها توضیح روشنی ارائه نداده است. به نظر اکنکار این نوشته‌ها مهم ترین اسنادی هستند که مورد استناد قرار می‌گیرند اما هیچ نام و نشانی از آنها وجود ندارد. ی سازد که اکنکار از تمامی روشها و ترفندها جهت تکیه زدن به جایگاه ادیان بهره می‌برد.
94. معبد کاتسوپاری معبدی است که بنا به عقیده اکنکار در شمال تبت واقع شده است. هیچ کسی جز اساتید اکنکار به آنجا دسترسی ندارند. این معابد از دیدگان همه پنهان شده‌اند! (ر.ک: پال توئیچل، *اک ویدیا*، ص 193).
95. پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 51.
96. همان، ج 1، ص 53.

97. پال توئیچل، *نامه‌های طریق نور*، ص 343.
98. kal miranjan ؛ قدرت منفی عالم پایین. چیزی شبیه به شیطان و ابلیس.
99. پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 281.
100. پال توئیچل، *دندان ببر*، ص 150.
101. پال توئیچل، *سرزمین‌های دور*، ص 97-98.
102. Eck Vidya.
103. پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 263.
104. ر.ک: همان، ج 1، ص 277.
105. ر.ک: مجموعه هشت جلدی حقوق بشر در غرب با عنوان‌های مختلف، تهیه معاونت پژوهش مؤسسه علمی فرهنگی بصیرت، تدوین عبدالحسین مشکانی، علی تیپ و دیگران، انتشارات نگاران قلم.
106. در سال 1971 با درگذشت پال توئیچل، عصای قدرت اک به شخصی به نام «داروین گرایس» رسید. وی از شاگردان مستقیم پال توئیچل بود و در شورای اکنکار توانست با هماهنگی گیل توئیچل که اکنون به همسری گرایس درآمده بود، رأی اکثریت را به دست آورد. با گذشت زمان، بین شاگردان پال و طرفداران گرایس نزاع‌هایی در گرفت. جدا شدن گیل از گرایس عامل سرعت بخشی بود که پس از ده سال گرایس را از قدرت ساقط نمود. با سقوط گرایس، هارولد کلمپ، که تا آن زمان در چاپ‌خانه اکنکار مشغول کارهای فنی بود، به عنوان استاد حق در قید حیات انتخاب شد. هارولد کلمپ علت اخراج وی را از اکنکار چنین شرح می‌دهد: ناتوانی گرایس در تشخیص وابستگی بر علیه مثبت سوگماد، به آن بحران معنوی که در اواخر سال 1983 منجر به اخراج او از نظام ویراگ شد، سرعت بخشید. این واقعه همواره به عنوان یکی از غم‌انگیزترین فصول تاریخ اکنکار باقی خواهد ماند. (ر.ک: هارولد کلمپ، *روح نوردان سرزمین‌های دور*، ص 320)
107. تادکرامر، *اکنکار حکمت باستانی عصر حاضر*، ص 7 و ص 97.
108. همان، ص 57.
109. همان، ص 62.
110. پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 149.
111. همان، ج 1، ص 158.
112. پال توئیچل، *نامه‌های طریق نور*، ص 250.
113. ر.ک: پال توئیچل، *شریعت کی سوگماد*، ج 1، ص 225.
114. همان، ج 1، ص 150.
115. همان، ج 1، ص 153.
116. همان، ج 1، ص 42.



منابع

- استایگر، براد، *نسیمی از بهشت*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب و زرین، 1379.
- دیویس، جیمز پال، *گاه شمار استاد رویا پردازی*، ترجمه مهیار جلالیانی، تهران، ایساتیس، 1379.
- وبر، ماکس، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری*، عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران، علمی و فرهنگی، 1373.
- توئیچل، پال، *اکنکار کلید جهانهای اسرار*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب، دوم، 1382.
- توئیچل، پال، *نامه‌هایی به گیل*، ترجمه هوشنگ اهرپور، جلد اول، تهران، ایساتیس، 1380، ج 1.
- توئیچل، پال، *نامه‌هایی به گیل*، ترجمه مینو ارژنگ، تهران، محسن، 1380، ج 2.
- توئیچل، پال، *نامه‌های طریق نور*، ترجمه مینو ارژنگ، تهران، ثالث گلسار، 1380.
- توئیچل، پال، *سرزمین‌های دور*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب و زرین، دوم، 1379.
- توئیچل، پال، *اک ویدیا دانش باستانی پیامبری*، ترجمه هوشنگ اهرپور، بی‌جا، بی‌نا، 1376.
- توئیچل، پال، *اک ایناری علم الاسرار رؤیاهای*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب و زرین، 1379.
- توئیچل، پال، *دندان ببر*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب و زرین، پنجم، 1381.
- توئیچل، پال، *واژه نامه اکنکار*، ترجمه یحیی فقیه، تهران، سی گل، 1380.
- توئیچل، پال، *شریعت کی سوگماد*، دو جلد، ترجمه هوشنگ اهرپور، بی‌جا، بی‌نا.
- تیپ، علی و دیگران، *کلیات حقوق بشر*، قم، نگاران قلم، 1387.
- تیپ، علی و دیگران، *نقض حقوق زندانیان در غرب*، قم، نگاران قلم، 1387.
- سیمپسون، پتی، *پالچی*، ترجمه مریم البرزی، تهران، دنیای کتاب، 1377.
- کلمپ، هارولد، *از استاد بیرسید*، ترجمه مینو ارژنگ، هما جابری زاده، جلد اول، تهران، ثالث، دوم، 1380.
- کلمپ، هارولد، *از استاد بیرسید*، ترجمه امینه اخوان تفتی و گیتی بحرینی، جلد دوم، تهران، امیر قلم، 1381.
- کلمپ، هارولد، *تمرینات معنوی اک*، ترجمه مرجان داوری، تهران، سی گل، 1380.
- کلمپ، هارولد، *روح نوردان سرزمین‌های دور*، ترجمه هوشنگ اهرپور، تهران، مورشا، 1379.
- کرامر، تاد، *اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر*، با همکاری دوگ منسون، ترجمه مهیار جلالیانی، دنیای کتاب، 1376.
- گیدنز، آنتونی، *جامعه شناسی*، ترجمه حسین چاووشیان، با همکاری کارن بردسال، ویراست چهارم، تهران، نشر نی، 1386.
- سایت رسمی دایرة المعارف طهور / 208 / 22
- شریفی احمدحسین شریفی، *درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانی‌های کاذب*، قم، صهبا، چ پنجم، 1388.

<http://www.tahour.net/content/view>